

میدون و سوفیا

چرا همه تعطیلیم؟



پوریا عالمی

• سوفیا... عشقم... چندروز برایت نامه ننوشتم چون همه تعطیل بودیم. راستش من فکر می‌کردم فقط خودم تعطیلیم که الان مطمئن هستم همه تعطیلیم. می‌دانی سوفیا؟ تا آنجا که من می‌بینم، کسی توی ایران کار نمی‌کند و همه معتقدیم کارها را باید دیگران انجام دهند. برای همین هربار که می‌روم دست‌به‌آب و می‌بینم آب وصل است حیرت می‌کنم! چراکه مدیران ما هر کاری می‌کنند بعدش متوجه می‌شوند آب قطع است. واقعا عجیب نیست سوفیا؟ ما تنها کشور دنیا هستیم که همه کارشناسیم! الان همه مغازه‌ها زده‌اند به یک کارگر ساده نیاز داریم ولی نیست، درحالی‌که هر ایرانی درحال حاضر خودش یک شرکت تأسیس کرده و مدیرعامل است و دنبال کارگر ساده می‌گردد! برای همین است که من واقعا حیرت می‌کنم آب و برق و اینترنت و گاز قطع نیست. درواقع با این سطح از مدیریت من آمادگی دارم با قطعی آب و برق و گاز و اینترنت و آب مواجه شویم، فقط نمی‌دانم چرا تا الان قطع نشده! خلاصه سوفیا... تا پارسال کارآفرینی مهم بود، امسال این‌طوری شده که اگر کسی کلا کاری کند انگشتش را طلا می‌گیرند. البته این حرف‌ها ربطی به بحران بی‌کاری ندارد. خوشبختانه در ساختن بحران ما خودکفا هستیم، در بی‌کارکردن و خانه‌نشین‌کردن افراد هم. در پایان همه را ببوس سوفیا. عاشق بی‌کار تو؛ میدون دوم

پیشخوان

چراغ روشن با ساختار جدید

• ششمین شماره ماهنامه «چراغ روشن» در واقع شروع دوره جدیدی از فعالیت این نشریه است. مدیرمسئول آن همچنان، «علی شاملومحمودی» است و در دوره جدید فعالیت خود با سیروس ظهیرمالکی، از روزنامه‌نگاران پیش‌کسوت کشور در مقام سردبیر همکاری می‌کند.
طبیعه چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب، دو گزارش از مجلس، اقتصاد ایران با سفره‌های خالی مردم، نگاهی به جنگ یمن، نگاهی به خشونت علیه زنان و... از مطالب این نشریه ۴۸صفحه‌ای است.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ • ۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۰ • ۱۳ فوریه ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۶۵ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۹ • اذان مغرب ۱۸:۰۲ • اذان صبح فردا ۵:۲۹ • طلوع آفتاب ۶:۵۳

روزانه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

مدی بلور تاجا



گفته‌های رئیس، واکنش جمهور

سیل مکنونات غیرعلمی ما تبدیل و طیبیان را مجبور کرده است به عنوان تنها مدافعان حیثیت عقل و عقل‌گرایی در صفحات مجازی سینه چاک کنند، چراکه پیچیدگی و درخشندگی طب با همه شاخ‌وبرگ‌هایش فقط در نظرهاک ایشان عیان می‌شود. طب در ذهنیت ایرانی جایگاهی ندارد اگر نه، چرا حتی یک بیمارستان وقف در سال‌های اخیر از سوسی یک یا چند نفر از این ثروتمندان نجومی تأسیس نشد؟ چرا چند هکتار از زمین‌های شمال و شمال غرب تهران به جای برج و بارو و مال به بیمارستان تبدیل نشد؟ چرا در تنگنای راهروهای بیمارستان‌های آموزشی نمی‌توان راه رفت؟ چرا فضای سبز همه بیمارستان‌های تهران هریک به کاری درآمدزا یا کارهای حسابی اختصاص یافت؟ آیا اگر دانش و دانش طب عمیقا باور شده بود، فضا و مکان کافی برای آن تهیه نمی‌شد؟ همه اینها مؤید جایگاه پایین دانش طب در اذهان ماست.
مرجعیت ادعایی پزشکان در میان مردم هم واقعیتی است که با گفته‌های بالا در تضاد نیست، وقتی یک وزیرت ساده با تجویز یک قرص که اگر منظم مصرف شود، منظومه‌ای از قرن‌ها افسانه‌پردازی درباره صرع را فرومی‌ریزد، شبی هراسناک از توانمندی دانش ظاهر می‌شود که همچنان رازآلود و اساطیری و کلی است نه فیزیکی و این‌دنیایی و اگر آن را به‌طور کامل و اقناع‌کننده، آن‌طور که می‌خواهی به دست نمی‌آوری، لایذ آنکه توانش را داشته است نخواست؛ تماما به میل و اراده اوست. او را با یک دست پیش و با یک دست پس می‌زنی، از او می‌ترسی، اما نمی‌توانی انکارش کنی تا یک روز سرانجام تماما به شکل واقعی‌اش با همه ملزوماتش به باورت درآید.

تا محیط زیست و... دفاع می‌کنند و ضلع دیگرش مسئولانی که به عنوان کارگزار دولت نقشی مهم‌تر از اصلاح فرهنگی ندارند، هیچ کس در دفاع از دانش دم ن‌زد.
بله آنچه این مکنونات مذاب هدف گرفته گشاده‌دستی، همه مصداق‌ها در یک گفته کوتاه عرضه می‌شوند: اول دانش اخلاق پزشکی که همواره ملاطفت طیبی را تعریف و دانصا روزآمد می‌کند از اساس مورد انکار قرار می‌گیرد. دوم طیبی با انجام کارهایی که رئیس حقیر می‌پندارد تطهیر می‌شود، حال آنکه آن کار حقیر –پرستاری– خود دانش پویایی است. آن جملات هم بیشتر در نقد پرستاری است تا پزشکی، دانشمندان پرستاری هم کار خود را به دیگری وانمی‌گذارند، حتی اگر «جراح» باشد. فقط پرستاری نیست. حال آنکه «دانش» طب بیشتر به معنای فعالیتی تعقلی است تا عملی. معلوم نیست سلامت بیشتر از دانش طب حاصل می‌شود یا از رعایت شاعران و تزکیه نفس؟ یا بازگشت به خویشتن و به طبیعت و اجتناب از استرس و مواد شیمیایی؟ جالب است که نابوری به عقل و به دانش نه‌فقط در اشکال سنتی که بارها و بارها در مدرن‌ترین اشکال هم هرروزه بازتولید می‌شود و این نه محدود به دانش طب که در همه دانش‌ها جاری است، اما اگر چه نتیجه کار طبیعی که به ساخت‌وساز رو آورده است، در اولین زلزله معلوم می‌شود، نتیجه کار معماری که آپاندیسیت عمل کرده، ممکن است به ریکاوری هم نکشد. این فاصله نزدیک علم و عمل است که کار طب را به بارزترین



بابک زمانی

رئیس انجمن سکنه مغزی

در یک لحظه استثنایی از زبان «رئیس»، برخی مکنونات «جمهور» آشفشان کرد. تا پیش از آن ظاهرا فضا آکنده از «تقدس کار طب» از سویی و گمان «گروه مرجع‌بودن پزشکان» از سویی دیگر بود. اما آن زمان که لهیب این آشفشان تا اعماق وجود پزشکان را می‌آزرد و در تب‌وتاب کلماتی که رئیس بر زبان آورده بود می‌سوختند، از دل آن جمهور و از میان سایر گروه‌های مردم هیچ صدایی برنخاست. خاموش به نظاره نشستند تا سرازیرشدن آن مکنونات را نظاره کنند؛ شاید هم به لذت! پس بیهوده نیست اگر آنچه رئیس‌جمهور در جریان معرفی وزیر جدید بهداشت گفت، از مکنونات جمهور بخوانیم و سرریزشدنش را فرصتی استثنایی برای روبه‌روشدن با واقعیتی که همه می‌کشند در زیر لافافه تعارفات نبینند؛ تکنولوژی طب مدرن هنوز جایگاه خود را در ذهنیت تاریخی و پیشامدرن ما باز نکرده است و نه‌فقط این، که دانش و اعتقاد به دانش هم همین‌طور. در جامعه ما راست و دروغ، افسانه و واقعیت، زنده و مرده همه و همه در تعادلی بی‌نظیر در کنار هم وجودی مسالمت‌آمیز دارند مثل یک رمان رئالیسم جادویی مانند پدرو پارامو اثر خوان‌رولفو! در پهنه‌ای که یک ضلع آن روحانی تحصیل‌کرده‌ای است که بسیاری از ما به او رأی داده‌ایم، ضلع دیگر روشنفکران و هنرمندان مستقلی که از همه چیز از حقوق حیوانات گرفته

ورود پریها هو ی یک کارگردان تازه‌وارد!

مریم حسینی؛ همایون غنی‌زاده به‌عنوان یک کارگردان تئاتری در گام اول حضورش به‌عنوان کارگردان سینمایی با قبول‌نکردن سیمیرغ بخش نگاه نو با واکنش‌های بسیاری روبه‌رو شد. او معمولا با بلیت‌های گران‌قیمت تئاترهایش، حجم بالایی بلیبوردهای آتارش و سه کافه پرترفدارش در عرصه هنر شناخته می‌شود. رفتار غنی‌زاده که قرار بود برداشتی آزاد از رفتار مارلون براندو و فرستادن دختری سرخ‌پوست و عدم قبول اسکار باشد، از نظر منتقدان سینما یک کیی‌برداری محض و درواقع

مسخره و تبدیل‌کردن مراسم به سیرک‌بازی بود. برخی نیز در واکنشی صلح‌جویانه‌تر این رفتار را با رفتارهای مسعود ده‌نمکی و ابراهیم حاتمی‌کیا مقایسه کرده‌اند. تعدادی نیز به صحنه‌ای از فیلم «پاتوشتری» اشاره کردند که در آن یک به‌اصطلاح فرهیخته دقیقا همین رفتار را انجام می‌دهد. در تن‌از داوران واکنش‌های شدیدی داشتند. سؤال اینجاست چرا رفتار غنی‌زاده که یک افغان را به بالایی سن جشنواره فیلم فجر فرستاد تا از مشکلات آنان در ایران بگوید، مورد قبول قرار نگرفت و این حرکت او را حرکتی نمایشی و برای مطرح‌شدن و

به‌یادماندن ارزبایی کردند؟ یکی از دلایل این است که کمتر کسی توانست دلیل این اعتراض را دریابد و بتواند تحلیل کند که این فرد برای چه از پذیرش سیمیرغ نگاه نو سر باز زد. از سوی دیگر این روزها حجم بالای رفتارهای نمایشی هر روز از سلبریتی‌ها و افراد مشهور و غیرمشهور سر می‌زند به همین خاطر منتقدان جدی و افراد متفکر انتظار ندارند که این‌گونه حرکات را در برنامه‌های جدی و مهم شاهد باشند.

البته عده‌ای نیز از این رفتار استقبال کردند، اما آن‌قدر تعدادشان کم بود که در میان اعتراض‌ها کم شد.

همراه با منو صبحانه



کافه عربی هوکانا خارون

با پارکینگ رایگان

نیاوران، مرکز خرید نارون، طبقه همکف –تلفن رزرو ۰۳۹۸۰۲۶۱

محیط جدید

اتفاق جدید

